



اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۱۹

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای یاسر سعادت

بحث ما در علم اجمالی بود. گفتیم که در علم اجمالی در دو سطح، منجز وجود دارد، یکی در سطح علم به جامع و دیگری در سطح شک در اطراف.

از دیدگاه شهید صدر که قائل به مسلک حق الطاعة هستند، هم علم به جامع می تواند منجز جامع باشد و هم شکی که در هر یک از اطراف وجود دارد، می تواند منجز همان طرف باشد. بعد این بحث مطرح شد که آیا این منجزیتهایی که در علم اجمالی وجود دارد، مطلق است یا معلق؟ و با صدور ترخیص از جانب شارع قابل اسقاط می باشد؟

شهید صدر بر خلاف مشهور، قائل به این شدند که تمام منجزهای موجود در علم اجمالی، قابل اسقاط می باشد. این مبنا با این اشکال مواجه است که چگونه می توان منجزیت علم به جامع را ساقط کرد، در حالی که خود شهید صدر فرمودند حجیت (معذریّت و منجزیت) قطع، ذاتی قطع می باشد و قابل جعل و رفع نیست؟

در این درس، پاسخ شهید صدر به این اشکال مورد بررسی قرار می گیرد. و بحث اثباتی صدور ترخیص در اطراف علم اجمالی، به مباحث اصول عملیه ارجاع داده می شود. و در پایان درس اقسام قطع و توضیح آنها بیان می شود.

{العلم الإجمالي و بإمكان المولى أن يُرخصَ في كلِّ من الطرفين معاً بترخيصٍ ظاهريين، و بهذا تبطل كلُّ المنجزيات بما فيها منجزية العلم بالجامع}

و قد تقول: إن العلم بالجامع فردٌ من القطع، و قد تقدّم أن منجزية القطع غير معلقة، فكيف ترتفع منجزية العلم بالجامع هنا؟ والجواب: إن القطع الذي تكون منجزيته غير معلقة هو العلم التفصيلي، إذ لا مجال للترخيص الظاهري في مورده، لأن الترخيص الظاهري لا يمكن إلا في حالة الشك، و لا شك مع العلم التفصيلي و لكن في حالة العلم الإجمالي حيث إن الشك في كلِّ طرف موجود، فهناك مجال للترخيص الظاهري، فتكون منجزية العلم الإجمالي معلقة على عدم إحراز الترخيص الظاهري في كلِّ من الطرفين.

هذا من الناحية النظرية ثبوتاً، و أمّا من الناحية الواقعية إثباتاً، و أنه هل صدر من الشارع ترخيص في كلِّ من طرفي العلم الإجمالي؟ فهذا ما يقع البحث عنه في الأصول العملية.

القطع الطريقي و الموضوعي

تارةً يحكم الشارعُ بحرمة الخمر مثلاً فيقطع المكلّف بالحرمة و يقطع بأنّ هذا خمرٌ، و بذلك يُصبح التكلّف منجزاً عليه كما تقدّم، و يُسمّى القطع في هذه الحالة بالقطع الطريقي بالنسبة إلى تلك الحرمة لأنّه مجرد طريق و كاشف عنها و ليس له دخلٌ و تأثيرٌ في وجودها واقعاً، لأنّ الحرمة ثابتة للخمر على أيِّ حال، سواءً قطع المكلّف بأنّ هذا خمرٌ أو لا.

علم اجمالی (یادآوری)

اگر متعلق قطع معین و مشخص باشد، به آن علم تفصیلی گویند و اگر متعلقش مردّد بین دو یا چند چیز باشد به آن علم اجمالی گویند.

علم اجمالی از علم به جامع و شک در اطراف تشکیل شده است؛ بنابراین این در علم اصول، علم اجمالی در دو مبحث قطع و اصول عملیه، مورد بحث قرار می‌گیرد.

به نظر شهید صدر، شارع مقدس همان‌طور که می‌تواند نسبت به برخی از اطراف علم اجمالی ترخیص صادر نماید، نسبت به تمام اطراف علم اجمالی نیز می‌تواند ترخیص صادر کند. و ترخیص در تمام اطراف علم اجمالی، موجب ابطال منجزیت علم به جامع می‌گردد.

اشکال بر امکان ترخیص شارع نسبت به تمام اطراف علم اجمالی

اگر شارع مقدس بخواهد در تمام اطراف علم اجمالی ترخیص صادر نماید، موجب می‌شود که منجزیت علم به جامع ابطال گردد؛ زیرا قوام علم به جامع به اطرافش می‌باشد و اگر تمام اطرافش مورد ترخیص قرار بگیرد، دیگر معنا و مجالی برای منجزیت علم به جامع وجود نخواهد داشت. با توجه به این‌که حجیت و منجزیت علم، ذاتی علم می‌باشد و قابل جعل و رفع نیست، پس چگونه شارع می‌تواند در تمام اطراف علم اجمالی ترخیص صادر نماید که به تبع آن منجزیت علم به جامع زائل گردد؟

به تعبیر دیگر، از نظر شهید صدر، علم و شک هر چند که هر دو منجزند، اما این تفاوت در میان آن دو وجود دارد که منجزیت علم مطلق است، ولی منجزیت شک، معلق بر عدم ورود ترخیص از جانب شارع می‌باشد؛ آیا طبق این دیدگاه نباید علم به جامع مطلق باشد و امکان اسقاط و ابطال آن برای شارع وجود نداشته باشد؟

FG

اشکال بر ترخیص } **صغری:** ترخیص شارع در تمام اطراف علم اجمالی، موجب اسقاط منجزیت علم به جامع می‌شود.
 شارع در تمام اطراف } **کبری:** ولکن منجزیت علم به جامع قابل اسقاط نیست.
 علم اجمالی } **نتیجه:** ترخیص در تمام اطراف علم اجمالی، ممکن نیست.

تطبیق

و قد تقول^۱: إنّ العلم بالجامع فردٌ من القطع، و قد تقدّم أنّ منجزية القطع غير معلقة^۲، فكيف ترتفع منجزية العلم بالجامع هنا^۳؟
 به تحقیق خواهی گفت: علم به جامع فردی از افراد قطع است و گذشت که منجزیت قطع، معلق (بر عدم ورود ترخیص) نیست. پس چگونه منجزیت علم به جامع، (با ترخیص شارع در همه اطراف علم اجمالی) ساقط می‌گردد؟

Sco1: ۰۳:۴۵

^۱ یعنی: اشکال خواهی کرد.

^۲ یعنی: مطلق است؛ و اساساً ورود ترخیص در موارد قطع به تکلیف محال است.

^۳ مشار الیه: علم اجمالی.

پاسخ شهید صدر به اشکال برامکان ترخیص نسبت به تمام اطراف علم اجمالی

گفتیم که ترخیص در تمام اطراف علم اجمالی موجب ابطال منجزیت علم اجمالی می‌شود در حالی که منجزیت علم، معلق بر چیزی نیست و قابل اسقاط نمی‌باشد، پس چگونه می‌توان ترخیص شارع را نسبت به تمام اطراف علم اجمالی جایز دانست؟ شهید صدر در پاسخ به این اشکال می‌فرمایند: منجزیت قطع، همیشه مطلق نیست؛ بلکه اگر قطع تفصیلی باشد، منجزیت مطلق خواهد داشت و اگر اجمالی باشد، منجزیتش معلق بر عدم ورود ترخیص از جانب شارع مقدس می‌باشد.

دلیل: دلیلی که بر استحالة ورود ترخیص در موارد قطع بیان شد، عبارت بود از این که ترخیص شارع، یا باید ترخیص واقعی باشد؛ به معنای اباحه واقعی که در این صورت اجتماع ضدین لازم می‌آید. (مثلاً وجوب و اباحه و یا وجوب و حرمت) و اجتماع ضدین محال است. یا این ترخیص شارع باید ظاهری باشد، که در موارد قطع به تکلیف، شکی وجود ندارد. لذا حکم ظاهری (ترخیص) موضوع پیدا نمی‌کند. زیرا موضوع احکام ظاهری، شک در تکلیف است. این دلیل بر استحالة ترخیص شارع در موارد علم به تکلیف است که این دلیل در موارد علم اجمالی نمی‌آید؛ زیرا در موارد علم اجمالی به تکلیف، شک نیز وجود دارد و علم اجمالی، ترکیبی از علم به جامع و شک در اطراف می‌باشد؛ لذا در موارد علم اجمالی، هم شک به تکلیف وجود دارد و هم علم به تکلیف؛ پس جعل ترخیص ظاهری در موارد علم اجمالی اشکالی ندارد و موضوع حکم ظاهری در این موارد، موجود است. به خلاف موارد قطع تفصیلی که مجالی برای جعل حکم ظاهری وجود ندارد.

مقام دوم: وقوع ترخیص از ناحیه شارع در اطراف علم اجمالی

بحث ما تا کنون درباره امکان و عدم امکان ترخیص شارع نسبت به اطراف علم اجمالی بود و معلوم شد که به نظر شهید صدر، ترخیص شارع مقدس نسبت به تمام اطراف علم اجمالی ممکن می‌باشد. اما بحث از نظر اثباتی - به این معنا که آیا ترخیصی نسبت به اطراف علم اجمالی، از جانب شارع مقدس صادر شده است یا نه؟ - در مباحث اصول عملیه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

FG

- | | | |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---|--------------------------------------------------------------------|
| <p>۱. علم تفصیلی ← عدم جواز؛ دلیل: زیرا ترخیص یا باید ← ظاهری باشد که ترخیص ظاهری در موارد علم به تکلیف، موضوع ندارد.</p> | } | <p>نظر شهید صدر در مورد امکان صدور ترخیص در موارد علم به تکلیف</p> |
| <p>۲. علم اجمالی ← جواز؛ دلیل: وجود شک در اطراف علم اجمالی که موضوع حکم ظاهری است.</p> | } | |

تطبیق

و الجواب^۱: إنَّ القطعَ الذي تكونُ منجزيته غيرَ معلَّقة هو العلمُ التفصيليُّ، إذ لا مجالَ للترخيصِ الظاهريِّ^۲ في موردِ^۳، لأنَّ الترخيصَ الظاهريَّ لا يمكنُ إلَّا في حالةِ الشكِّ، و لا شكَّ مع العلمِ التفصيليِّ

پاسخ این است که آن قطعی که معلق بر عدم ورود ترخیص از سوی شارع نیست، قطع تفصیلی می‌باشد. چون مجالی برای ترخیص ظاهری در مورد علم تفصیلی وجود ندارد؛ زیرا ترخیص ظاهری که یک حکم ظاهری است، ممکن نیست مگر در حالتی که شک وجود داشته باشد. و همراه علم تفصیلی شکی وجود ندارد.

ولكن في حالة العلم الإجماليِّ حيثُ إنَّ الشكَّ في كلِّ طرفٍ موجودٌ، فهناكُ^۴ مجالٌ للترخيصِ الظاهريِّ، فتكونُ منجزيةُ العلمِ الإجماليِّ معلَّقةً على عدمِ إحرازِ الترخيصِ الظاهريِّ في كلِّ من الطرفين.

اما در مورد علم اجمالی چون در هر یک از اطرافش، شک وجود دارد، مجال برای جعل حکم ظاهری هست، پس منجزیت علم اجمالی معلق بر عدم احراز ترخیص ظاهری در اطرافش می‌باشد.

هذا^۵ من الناحية النظرية ثبوتاً، وأمّا من الناحية الواقعية إثباتاً، وأنه هل صدرَ من الشارعِ ترخيصٌ في كلِّ من طرفي العلمِ الإجماليِّ؟ فهذا ما يقع البحثُ عنه في الأصول العملية.

این مباحث مربوط به عالم ثبوت می‌باشد، اما از ناحیه عالم اثبات که آیا ترخیصی از شارع مقدس در هر کدام از دو طرف علم اجمالی وارد شده است یا نه؟ بحثی است که در اصول عملیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

Scor: ۱۱ : ۰۷

قطع طریقی و موضوعی

در این جا وارد مبحث جدیدی می‌شویم و می‌خواهیم اقسام قطع و احکام آن‌ها را مورد بررسی دهیم. قطع ذاتاً طریق به متعلق خود است. هر گاه ما قطع به شیئی پیدا کنیم، طریق به آن شیء یافته‌ایم. طرق ما به اشیاء خارجی همین علوم و قطع‌های ماست. پس قطع به شیئی که به آن تعلق یافته است، طریق به آن شیء و کاشف از آن شیء است. این خصیصه ذاتی قطع است که اساساً غیر قابل انفکاک می‌باشد اما با این وجود، نسبت یک قطع به حکم شرعی از دو حال خارج نیست؛ یا صرفاً کاشف از حکم شرعی است، یا این که سبب ثبوت و فعلیت آن حکم شرعی است. به تعبیر دیگر، یا صرفاً پرده از حکم شرعی بر می‌گیرد و حکم شرعی را برای قاطع نمایان می‌کند، یا این که موجب می‌شود موضوع حکم شرعی محقق شود، از این جهت قطع بر دو قسم می‌باشد و قطعاً کاشف از حکم شرعی است و صرفاً طریق به حکم شرعی محسوب می‌شود و بر همین اساس که طریق به حکم شرعی است منجز آن محسوب می‌شود، اصطلاحاً قطع طریقی نام دارد. قطع طریقی، خود بر دو قسم است: زیرا گاه قطع طریقی به جعل حکم تعلق

۱. جواب اشکالی که در خط قبلی با عبارت «قد تقول» به آن اشاره شد. نکته جواب مذکور بنابر مستوی حلقه ثانیه می‌باشد، و گر نه در حلقه ثالثه خواهید دید که، به نظر شهید صدر(ره)، علم تفصیلی نیز معلق می‌باشد.

۲. ترخیص واقعی نه در مورد علم اجمالی و نه در مورد علم تفصیلی ممکن نیست؛ زیرا موجب اجتماع نقیضین می‌گردد.

۳. مرجع ضمیر: العلم التفصيلی.

۴. مشار الیه: حالة العلم الإجماليِّ.

۵. یعنی: هذا البحث.

۳. مرجع ضمیر: مای موصوله در عبارت «ما يقع».

می‌گیرد و گاهی قطع طریقی به موضوع حکم تعلق می‌یابد. مثل این که می‌دانیم شارع مقدس حرمت را برای خمر جعل کرده است. این جا قطع ما به جعل حرمت برای خمر تعلق یافته است. و یا مثل علم به خمریت این مایع که علم به موضوع حکم حرمت شرب می‌باشد و این قطع، طریق به تحقق موضوع می‌باشد. برای منجز شدن یک تکلیف، باید ما هر دو قطع را داشته باشیم، هم قطع به جعل تکلیف و هم قطع به تحقق موضوع تکلیف. بنابر این، اگر مکلف نداند که حرمتی برای خمر جعل شده، یا بداند که حرمت برای خمر جعل شده اما نداند که مایعی که در برابر اوست خمر است در این صورت، قطع منجز تکلیف برای او حاصل نشده است.

FG

صرف کاشفیت، بدون تأثیری در تحقق موضوع حکم ← طریقی } به حکم شرعی
 قطع } به موضوع حکم شرعی.
 دخیل در موضوع حکم؛ جزء موضوع حکم ← قطع موضوعی

تطبیق

القطع الطریقی و الموضوعی

تارةً يحكم الشارعُ بحرمةِ الخمرِ مثلاً

گاهی شارع مقدس (حکم را برای نفس شیئی یا فعلی قرار می‌دهد بدون دخالت علم و جهل مکلف در موضوع آن، مثلاً) حکم می‌کند که: خمر حرام است.

فَيَقْطَعُ الْمَكْلَفُ بِالْحَرَمَةِ وَيَقْطَعُ بِأَنَّ هَذَا خَمْرٌ، وَبِذَلِكَ يُصْبِحُ التَّكْلِيفُ مَنْجِزاً عَلَيْهِ كَمَا تَقَدَّمَ

پس وقتی که مکلف قطع به حرمت خمر و خمریت مایعی پیدا کرد این تکلیف (حرمت خمر) بر او منجز می‌گردد چنان که در مباحث قبلی بیان این مطلب گذشت.

و يُسَمَّى الْقَطْعُ فِي هَذِهِ الْحَالَةِ بِالْقَطْعِ الطَّرِيقِيِّ بِالنَّسْبَةِ إِلَى تِلْكَ الْحَرَمَةِ لِأَنَّهُ مَجْرَدُ طَرِيقٍ وَكَاشَفٍ عَنْهَا

و در این حالت (که علم و جهل مکلف دخلی در تحقق موضوع حکم ندارد) قطع مکلف به موضوع و حکم حرمت خمر، قطع طریقی نامیده می‌شود؛ زیرا قطع مکلف در این صورت صرف طریق و کاشف از این حرمت می‌باشد.

و لَيْسَ لَهُ دَخْلٌ وَتَأْثِيرٌ فِي وُجُودِهَا وَاقْعاً، لِأَنَّ الْحَرَمَةَ ثَابِتَةً لِلْخَمْرِ عَلَى أَيِّ حَالٍ، سِوَاءِ قَطْعِ الْمَكْلَفِ بِأَنَّ هَذَا خَمْرٌ أَوْ لَا.

و (قطع طریقی) دخل و تصرفی در وجود واقعی حکم حرمت ندارد، زیرا حرمت در هر حالی برای خمر ثابت می‌باشد، خواه مکلف قطع به آن داشته باشد یا نه.

Scor: ۱۹ : ۴۲

۱. به نظر شهید صدر، صدور ترخیص در تمام اطراف علم اجمالی ممکن است؛ زیرا در اطراف علم اجمالی شک وجود دارد که به لحاظ آن شک، جعل ترخیص ظاهری ممکن می‌باشد.
۲. صدور ترخیص در اطراف علم قطع تفصیلی ممکن نیست؛ زیرا ترخیص واقعی، مستلزم اجتماع ضدین است و ترخیص ظاهری موضوع ندارد؛ زیرا موضوع حکم ظاهری شک است و در موارد علم تفصیلی شکی وجود ندارد.
۳. قطع به لحاظ دخالت و عدم دخالتش در موضوع حکم شرعی به دو قسم طریقی و موضوعی تقسیم می‌شود.
۴. مراد از قطع طریقی، قطعی است که کاشف و طریق به حکم شرعی و یا موضوع آن باشد، بدون این‌که جزئی از موضوع باشد و در تحقق حکم دخالت داشته باشد.